

رابطه بین پرخاشگری و رضایت زناشویی در کارمندان متأهل بانکهای دولتی شهر ارومیه

زینب خانجانی^۱

نسیم ظفرقلیزاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین پرخاشگری و رضایت زناشویی در کارمندان متأهل بانکهای دولتی شهر ارومیه صورت گرفته است. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. در این تحقیق جامعه آماری عبارت است از کلیه کارمندان به همراه همسرانشان که در بانکهای دولتی شهر ارومیه در سال ۱۳۸۸ مشغول به کار بوده اند. انتخاب نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و به تعداد ۳۴۲ نفر صورت گرفت. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) و مقیاس پرخاشگری باس و پری (BPAS) بود. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و روشهای آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین پرخاشگری و رضایت زناشویی همبستگی منفی معناداری وجود دارد. همچنین بین مؤلفه‌های پرخاشگری (پرخاشگری کلامی، پرخاشگری بدنی، احساس خشم و احساس خصومت) و رضایت زناشویی همبستگی منفی معناداری وجود دارد. نتیجه تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نشان داد که پرخاشگری بدنی، نیرومندترین متغیر در پیش بینی رضایت زناشویی شوهران است و پس از آن احساس خشم قرار دارد ولی نیرومندترین متغیر در پیش بینی رضایت زناشویی زنان، پرخاشگری بدنی است و پس از آن احساس خشم و احساس خصومت قرار دارد. این یافته دال بر آن است که پرخاشگری می‌تواند مهمترین جنبه از روابط همسران یعنی رضایت زناشویی آنان را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری، رضایت زناشویی، کارمندان متأهل بانکهای دولتی

- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

- کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (nasimgz@yahoo.com)

مقدمه

نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط مرد و زن بر پایه‌های مناسب است. انسانی‌ترین عمل برای تنظیم این روابط، پیوند زناشویی است که می‌توان از آن به عنوان عامل اصلی اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده یاد کرد. ازدواج، پیوندی است میان زن و مرد که زیر بنای آن نیازی زیستی است و سبب پیدایی خانواده و تداوم آن است (چیانه، ۱۳۸۶). زناشویی، ازدواج بین دو فرد با دو شخصیت متفاوت است، با حفظ نسبی استقلال هر یک از زن و شوهر، برای همکاری متقابل به خاطر تکمیل خواسته‌های دیگری (ابراهیمی، ۱۳۶۰). وایت‌وی^۱ (نقل از طهرانی، ۱۳۸۴) رضایت زناشویی را نگرش شخص نسبت به رابطه زناشویی خود می‌داند که این رضایت زناشویی می‌تواند دامنه‌ای از مطلوب تا نامطلوب را در برگیرد. رضایتمندی زناشویی به معنای عملکرد و رفتار متناسب زوجین بر اساس وظایف سنتی و عرفی و قانونی تعیین شده برای هر کدام از آنها در قالب خانواده و خرده فرهنگ است. این تناسب عملکرد می‌تواند در جنبه‌های رفتاری، شناختی و عاطفی مطرح گرد (ساعدی و سپهری، ۱۳۷۹).

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه ازدواج و خانواده که توصیه مناسبی برای روابط رضایت بخش و بالعکس می‌باشد، نظریه مبادله اجتماعی نای است. در این نظریه پاداش‌ها و هزینه‌های موجود در تعاملات مورد توجه قرار می‌گیرد. افراد به دنبال مبادلات پاداش دهنده هستند و تلاش کمتری برای حفظ هزینه‌ها در مقایسه با پاداش‌ها می‌کنند (سیف، ۱۳۷۷). جکوبسون، والدرون و مورر^۲ (نقل از ساپینگتون، ۱۳۸۲) دریافتند که زن و شوهرهای شادکام در عوض پاداشهایی که از یکدیگر دریافت می‌کنند، به همدیگر پاداش می‌دهند، اما رفتار تنبیه کننده طرف مقابل را نادیده می‌گیرند. آنها در مورد رفتار خوب تقابل دارند اما رفتار ناخوشایند طرف مقابل را تلافی نمی‌کنند. شواهد حاکی از آن است که در

^۱- Whiteway

^۲-Jacobson , waldron & Mowrer

ازدواج، دوره‌های خاصی وجود دارد که سطح رضایتمندی پایین‌تر یا بالاتر از سایر دوره‌هاست. نظریهٔ چرخهٔ زندگی زناشویی با تقسیم بندی مراحل زندگی و تغییرات و تنش‌ها و نقش‌های خاص هر مرحله به بررسی تفاوت‌ها در سطح رضایتمندی زناشویی که ناشی از تغییرات دوره‌های مختلف است می‌پردازد (نیک بنیان مرنی، ۱۳۸۸).

تاکنون تلاش‌های بسیاری برای شناخت عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در ازدواج‌های طولانی مدت انجام شده است. کولینز و کولترین^۱ (۱۹۹۱) نتایج یک نظرسنجی عمومی را در مورد مهمترین عناصر تشکیل دهندهٔ ازدواج‌های پایدار این طور گزارش کرده‌اند: وفاداری (۹۳٪)، درک متقابل (۸۶٪)، زندگی جنسی خوب (۷۵٪)، فرزندان (۵۹٪)، علایق مشترک (۵۲٪)، همکاری در کارهای خانه (۴۳٪)، داشتن پول کافی (۴۱٪) و داشتن زمینه‌های مشابه (۲۵٪)، با توجه به این مورد می‌توان گفت که رضایت زناشویی یک حالت ذهنی است که جنبه‌ها و ارزش‌های مربوط به ازدواج را منعکس می‌سازد. ازدواج‌های همراه با نارضایتی زناشویی ممکن است کیفیت زندگی زناشویی را کاهش دهد و منبع استرس‌های قابل توجهی شود. تحقیقات انجام گرفته از جمله تحقیق بورک، ویر و هاریسون^۲ (۱۹۷۶) نشان می‌دهد که ناسازگاری زناشویی، جدایی و طلاق بر سلامت جسمی و روانی همسران و فرزندان آنها تأثیر منفی دارد. در این میان بررسی مسأله "پرخاشگری" مسأله‌ای است مهم که اگر افراد به آن توجه نکنند ممکن است در زندگی آینده و مشترکشان به مشکل برخورد کنند.

پرخاشگری در تعریف اتکینسون، اسمیت، بم^۳ و همکاران (۱۳۸۴) رفتاری است که به نیت آسیب رساندن (جسمی یا کلامی) به شخصی دیگر یا تخریب اموال وی صورت می‌گیرد. کوکلی^۴ (نقل از هادی‌پور، ۱۳۸۵) پرخاشگری را در تعریفی نسبتاً جامع ناظر به رفتاری می‌داند که با نیت تخریب اموال یا صدمه

^۱-Collins & Coltrane

^۲-Burke, weier & Harrison

^۳-Atkinson, Smith & Bem

^۴-Coakeley

زدن به شخص دیگر انجام می‌شود و شامل بی‌توجهی محض به سلامت خود است و پیامدهای آن می‌تواند جسمانی^۱ یا روانشناختی^۲ باشد. در نظریه یادگیری اجتماعی^۳ پرخاشگری از طریق مشاهده سرمشق پرخاشگری و یا تجربه مستقیم یاد گرفته می‌شود. سبکهای رفتاری پرخاشگرانه، از طریق مشاهده سرمشکهای خانوادگی (پرورش با خشونت خانوادگی و هدایت سبکهای خشونت)، از طریق مشاهده همسالان و از طریق مشاهده سرمشکها از طریق رسانه‌هایی چون تلویزیون یاد گرفته می‌شود (پروین^۴، ۱۳۷۴). فروید و لورنز^۵ هر دو به ذاتی بودن پرخاشگری در انسان اعتقاد دارند. هم فروید و هم لورنز معتقدند که پرخاشگری به عنوان یک نیروی نهفته در انسان دارای حالت هیدرولیکی است، یعنی به تدریج در شخص متراکم و فشرده می‌شود و نیاز به تخلیه پیدا می‌کند (کریمی، ۱۳۸۰).

پرخاشگری زناشویی در معنای وسیع آن عبارت است از: بد رفتاری هر یک از زوجین با دیگری که به آسیب‌های جسمی یا روانی در طرف مقابل بینجامد (بستان، ۱۳۸۵). بر طبق نظر هاف^۶ (نقل از صالحی و مهرعلیان، ۱۳۸۵) از مهمترین علل خشونت و پرخاشگری در خانواده می‌توان به عدم توافق اخلاقی، بی‌علاقگی، خودخواهی، فقره اعتیاد، نداشتن اعتقادات مذهبی، اختلاف سنی و ناتوانی جنسی اشاره کرد. عواملی چون عدم درک صحیح از موقعیت خویش، انزوا و افسردگی و تجاوز به حقوق قربانی نیز فاکتورهای مؤثر در پرخاشگری و خشونت است.

خشونت و پرخاشگری که از عوامل نارضایتی زوجهاست زمینه خانوادگی دارد و ناتوانی در کنترل خشم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در این خصوص، پژوهشهای جانکینز^۷ (۲۰۰۰) و دادز، اتکینسون، ترنر^۸ و همکاران

^۱-physical

^۲-psychological

^۳-Social learning theory

^۴-Pervin

^۵-Freud & Lorenz

^۶-Hoff

^۷-jenkins

^۸-Dadds, Atkinson, turner

(۱۹۹۹) نشان می‌دهد که مشاهده هر نوع پرخاشگری (کلامی، بدنی) طی دوران کودکی و در خانواده اصلی عامل پیش بینی کننده اعمال پرخاشگری در بزرگسالی است یا احتمال استفاده از پرخاشگری را افزایش می‌دهد، به طوری که در پژوهشهای فوق، شوهرانی که در خانه نسبت به همسر و فرزندان خود با خشونت رفتار می‌کردند، گزارش دادند که به طور قابل ملاحظه‌ای شاهد سوء استفاده خود یا همشیرها توسط والدین، جنگ و گریز والدین با هم و انضباط شدید و محیط سرد و نامهربان خانواده بوده‌اند. اسکات و لو^۱ (نقل از حاجی ابول‌زاده، ۱۳۸۱) یک برنامه پیشگیری و پربار سازی رابطه (PREP)^۲ را برای کمک به زوجها در کسب مهارتها و نگرش‌های مرتبط با موفقیت زناشویی به کار برده‌اند، که در این برنامه از یک کارگاه آموزشی ۱۲ ساعته برای آموزش زوجها استفاده شده است. نتایج تحقیقات آنها نشان می‌دهد که زوجها آموزش دیده، سطوح پایین‌تری از ارتباطات منفی و پرخاشگری و سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را در مقایسه با زوجهاى گروه مقایسه در طول سال‌های بعد از شرکت در این برنامه گزارش می‌دهند. استیس^۳ (۲۰۰۴) ۴۲ زوج با مشکلات پرخاشگری و خشونت^۴ (خفیف تا متوسط) را به صورت تصادفی در دو گروه درمانی قرار داد. یک گروه از زوجها به صورت انفرادی و گروه دوم به صورت گروهی تحت درمان قرار گرفتند و ۹ زوج به عنوان گروه کنترل (مقایسه) انتخاب شدند. شش ماه بعد از درمان، تکرار پرخاشگری و خشونت در زوجهایی که در گروه درمانی شرکت کرده بودند، به طور معناداری کمتر از گروه کنترل بود و رضایت زناشویی آنها افزایش یافته، پرخاشگری مردان و پذیرش خشونت توسط زنان به طور معناداری نسبت به گروه کنترل و گروه زوجهایی که به صورت انفرادی تحت درمان قرار گرفته بودند، کاهش پیدا کرد. لارنت، کیم و کاپالدی^۵ (۲۰۰۸) در تحقیقی ارتباطات میان الگوهای تعاملی مشاهده شده^۶ و

^۱- Scott & Lowe

^۲- Prevention And Relationship Enhancement Program

^۳- Stiths

^۴- Violence

^۵- Laurent, kim & Capaldi

^۶-observed interaction patterns

رضایت رابطه را در یک زیر نمونه‌ای از زن و شوهرهای جوان در معرض خطر ($N=47$) در منطقه‌ای در شمال غربی ایالات متحده آمریکا که در آنجا هفت سال اقامت کرده بودند، مورد بررسی قرار دارند. درگیری مثبت هر همسر، پرخاشگری کلامی و پس کشیدن^۱ در چارچوب ساختار تعارضی ویژه برای پیش بینی رضایت در طول زمان توسط منحنی رشد چند سطحی سرمشق دهی استفاده شد. درگیری مثبت زنان هنگام موضوع بحث و گفتگوی هر دو، رضایت بیشتری برای هر دو همسر در سطح‌های درون- زوجی و بین- زوجی پیش بینی کرد. پرخاشگری کلامی زنان با موضوع بحث خاصی رضایت کمتری را برای هر همسر نشان داد، و افزایش در پرخاشگری کلامی هم زنان و هم مردان هنگام موضوع بحث و گفتگوی همسرشان با رضایت کمتری برای زنان مربوط بود. پس کشیدن هر دو همسر هنگام موضوع بحث و گفتگوی مردان، کاهش کمتری را در رضایت برای مردان پیش بینی کرد. کالموس^۲ (نقل از فالیکو^۳، ۱۹۸۸) پدیده انتقال بین نسلی را در مورد پرخاشگری زناشویی مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که پرخاشگری و خشونت زوج یا زوجین، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. مارتین^۴ و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعه خود نشان دادند که بدرفتاری نسبت به همسر میزان بدرفتاری با کودکان را افزایش می‌دهد. علاوه بر این نشان دادند که ارتباط معنی‌داری بین پرخاشگری علیه زنان و مشاهده پرخاشگری در خانواده خاستگاه مرد وجود دارد. کارستنسن، گاتمن و لونسون^۵ (۱۹۹۵) در یک مطالعه با زوج‌های میانسال و مسن (حدود شصت ساله) در یافتند اگر چه زوج‌های شاد، در تعامل‌هایشان با یکدیگر، هنوز هم خشم را ابراز می‌داشتند، بیشتر مواقع در تعامل‌های خود، عشق، عاطفه و خلق خوش را ابراز می‌کردند. به علاوه، زوج‌های شاد در قطع و کاهش توالی انواع تعامل منفی مخرب که مشخصه زوج‌های ناشاد است، ماهر بودند. برای نمونه، آنها تمایل

¹- withdrawal

²- Kalmuss

³- Falicov

⁴-Martin

⁵-Carstensen, Gottman & Levenson

داشتند که به ابراز خشم شریک زندگی خود، به جای خشم تلافی جویانه با پاسخ‌های خنثی یا مراقبت و همدلانه واکنش نشان دهند.

با توجه به نتایج مطالعات انجام گرفته، تحقیق حاضر با هدف تعیین رابطه بین پرخاشگری و رضایت زناشویی در کارمندان متأهل بانکهای دولتی شهر ارومیه صورت گرفته است و به بررسی این فرضیه می‌پردازد که بین پرخاشگری زن و شوهر (پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، احساس خشم، احساس خصومت) و رضایت زناشویی هر یک از آنها رابطه وجود دارد. همچنین سؤال پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. مناسبترین مدل برای پیش بینی رضایت زناشویی زنان از طریق متغیرهای چهارگانه پرخاشگری مردان (شامل پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، احساس خشم، احساس خصومت) کدام است؟
۲. مناسبترین مدل برای پیش بینی رضایت زناشویی شوهران از طریق متغیرهای چهارگانه پرخاشگری زنان (شامل پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، احساس خشم، احساس خصومت) کدام است؟

طرح کار و مواد

طرح پژوهش: روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری: در این پژوهش جامعه آماری عبارت است از: کلیه کارمندان به همراه همسرانشان که در بانکهای دولتی شهر ارومیه در سال ۱۳۸۸ مشغول به کار بوده‌اند. جامعه آماری ۳۰۰۰ نفر کارمند متأهل شاغل بانکهای سپه، تجارت، کشاورزی، ملت، ملی، صادرات و رفاه می‌باشد. البته تعداد کارمندان (متأهل و غیر متأهل) شاغل در بانکهای مربوط ۳۶۷۲ نفر بود.

نمونه آماری: ۳۴۲ نفر از متأهلان شاغل در بانکهای دولتی شهر ارومیه که بر اساس جدول کای گرجسی و مورگان محاسبه شده است.

روش نمونه‌گیری: برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. در مرحله اول تمامی بانکهای دولتی شهر ارومیه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم از بین تمامی بانکهای دولتی، ۷ بانک به صورت تصادفی انتخاب گردید. در مرحله بعدی از بین تمامی شاغلان این ۷ بانک، متاهلان شاغل انتخاب شد که با استفاده از جدول کای گرجسی و مورگان ۳۴۱ آزمودنی انتخاب شد اما به خاطر اینکه فرضیه های تحقیق روی زوجین است، تعداد نمونه مورد انتخابی ۳۴۲ نفر (۱۷۱ زوج زن و شوهر) برگزیده شد. بدین ترتیب که ۳۴۲ آزمودنی مشخص شده بر اساس جدول کای گرجسی و مورگان تقسیم بر تعداد بانکها شده (۷ بانک) و عدد ۴۸/۸۵ نفر بدست آمد. و حدوداً از کلیه شعب هر یک از این ۷ بانک ۴۹ زوج متأهل به صورت تصادفی معین شده، به آزمون ها پاسخ دادند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

الف- پرسشنامهٔ پرخاشگری باس و پری

نسخهٔ جدید پرسشنامهٔ پرخاشگری که نسخه قبلی آن تحت عنوان پرسشنامه خصومت بود، توسط باس و پری (۱۹۹۲) مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیر مقیاس به صورت زیر است:

۱- پرخاشگری بدنی؛ (مواد ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۲۲، ۲۵، ۲۹)

۲- پرخاشگری کلامی؛ (مواد ۴، ۶، ۱۴، ۲۱، ۲۷)

۳- خشم؛ (مواد ۱، ۹، ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۸)

۴- خصومت؛ (مواد ۳، ۷، ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۶)

آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از گزینه‌های کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳)، تا حدودی شبیه من نیست (۲)، به شدت به من شبیه نیست (۱)، دو عبارت ۹ و ۱۶ بطور معکوس نمره‌گذاری می‌شود. نمرهٔ کل برای پرخاشگری با مجموع نمرات زیر مقیاس‌ها به دست می‌آید. در بررسی اعتبار فرم

نهایی مقیاس پرخاصگری (فرم ۲۹ ماده ای پرسش نامه) توسط باس و پری (۱۹۹۲) به روش باز آزمایی بر روی ۳۷ نفر پس از نه هفته ضریب همبستگی 0.80 ، 0.76 ، 0.72 و 0.72 . به ترتیب برای عوامل پرخاصگری بدنی، کلامی، خشم و خصومت گزارش گردید. نتایج اجرای پرسشنامه روی ۴۰۰ دانش آموز مهاجر و غیر مهاجر سال اول متوسطه در شهر بجنورد توسط لنگری (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که ضریب آلفا برای خرده مقیاسهای پرخاصگری بدنی، کلامی، خشم و خصومت به ترتیب 0.73 ، 0.58 ، 0.76 و 0.64 و ضریب آلفای کل نمرات پرسشنامه 0.70 بوده است. نمرات پرسشنامه پرخاصگری همبستگی معقولی با یکدیگر داشتند؛ در عین حال وقتی واریانس همبستگی‌های مربوط به خرده مقیاس خشم کنار گذاشته شد، سایر همبستگی‌ها معنی‌دار نبود. روایی نظری پرسشنامه پرخاصگری، به این صورت است که ارتباط بین خرده مقیاسهای پرخاصگری بدنی، کلامی، خشم و خصومت بسته به همبستگی آنها با خشم است. نمرات از روایی همزمان خوبی، بدون ارتباط با معنا بین پرخاصگری بدنی، پرخاصگری کلامی و تهییج پذیری ولی همبستگی قوی بین تهییج پذیری و خرده مقیاسهای خشم و خصومت برخوردار است (نقل از قربانی، ۱۳۸۵).

ب- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

در تحقیق حاضر به منظور اندازه‌گیری رضایت زناشویی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ استفاده شد. این پرسشنامه توسط اولسون، فورنیر و درانکمن^۲ در سال ۱۹۸۹ (نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) طراحی شده که به منظور ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قدرت و پربارسازی روابط زناشویی به کار می‌رود. نسخه اصلی آزمون ۱۱۵ سؤال دارد که شامل ۱۲ خرده مقیاس است. زیر مقیاس‌های این آزمون شامل پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و بچه‌ها، بستگان و دوستان، نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد و جهت‌گیری عقیدتی است (نقل

^۱- Evaluation & Nurturing Relationship Issues Communication and Happiness

^۲- Olson, Fournier & Drunkman

از چپانه، ۱۳۸۶). سپس سلیمانیان (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی» فرم کوتاهی از این پرسشنامه را تهیه کرد که دارای ۴۷ سؤال بود و در این پژوهش از این فرم استفاده شده است.

اولسون و همکاران (نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) اعتبار فرم اخیر را با استفاده از روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در کشور ما اولین بار سلیمانیان و نوابی‌نژاد (۱۳۷۳) همبستگی درونی آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه و گزارش کرده‌اند. در پژوهش مهدویان (۱۳۷۶) اعتبار آزمون انریچ با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی (به فاصله یک هفته)، برای مردان ۰/۹۳۷ و برای زنان ۰/۹۴۴ و برای مردان و زنان ۰/۹۴ به دست آمده است. همچنین ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ (نقل از عامری، ۱۳۸۱) با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ می‌باشد. کلیه خرده مقیاس‌های پرسشنامه انریچ، زوج‌های رضامند و نارضامند را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که پرسشنامه حاضر از ملاک روایی خوبی برخوردار است. در بررسی روایی، مقیاس بندی انریچ توسط وادسبای^۱ (نقل از احمدی، آزادمرزآبادی و ملازمانی، ۱۳۸۴) با مقیاس جو خانواده^۲ (FCS) و مقیاس سازگاری زوجین^۳ (DAS) مقایسه شده است. علاوه بر آن مقایسه بررسی‌های انجام شده توسط این مقیاس بین زوجین خوشبخت، پایدار، طلاق گرفته و در حال طلاق روایی این مقیاس را تأیید کرده است. در بررسی اعتبار هر یک از ابعاد دهگانه مقیاس ملاحظه شد که میزان آلفا بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۷ و میزان همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد در فاصله چهار هفته بین حداقل ۰/۶۵ و حداکثر ۰/۹۴ می‌باشد. روش نمره گذاری آزمون به صورت پنج گزینه‌ای و از نوع لیکرت است (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه

^۱- Wadsby

^۲- Family Climate Scale

^۳- Dyadic Adjustment Scale

مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) که بر هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود (نقل از چپانه، ۱۳۸۶).

روش اجرای پژوهش: در این تحقیق سعی شد به تعیین رابطه پرخاشگری با رضایت زناشویی در کارمندان متأهل بانکهای دولتی شهر ارومیه در سال ۸۹-۸۸ پرداخته شود. جهت رسیدن به این هدف مراحل بدین شرح طی شد، معرفی نامه ای از طرف دانشگاه آزاد تبریز جهت همکاری برای سرپرستی بانکها تهیه شد. سپس با توجه به نمونه و روش نمونه گیری، از میان جامعه کارمندان متأهل به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله‌ای، نمونه انتخاب گردید و پرسشنامه های مورد نظر جهت پاسخگویی به کارمندان متأهل ارائه داده شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات به تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار آماري SPSS پرداخته و در نهایت جمع بندی و نتیجه گیری انجام گرفت.

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش: جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار کامپیوتری SPSS و در بخش توصیفی از آمار توصیفی شامل میانگین‌ها، فراوانیها و درصدها و در بخش استنباطی یا تحلیلی از آمار استنباطی شامل همبستگی پیرسون استفاده گردید.

یافته‌ها

جدول (۱): ضریب همبستگی بین پرخاشگری و رضایت زناشویی

رضایت زناشویی		
-۰/۴۶۴ (**)	همبستگی پیرسون	پرخاشگری
۰/۰۱	سطح معنی داری	
۳۴۰	تعداد	
-۰/۴۹۸ (**)	همبستگی پیرسون	پرخاشگری بدنی مرد
۰/۰۱	سطح معنی داری	
۱۷۰	تعداد	

** p < ۰/۰۱

نتایج جدول ماتریس همبستگی نشان می دهد که بین پرخاشگری و رضایت زناشویی رابطه منفی (معکوس) معنی داری وجود دارد؛ یعنی با کاهش پرخاشگری، رضایت زناشویی افزایش می یابد.

نتایج جدول ماتریس همبستگی نشان می دهد که بین پرخاشگری بدنی مرد و رضایت زناشویی زن رابطه منفی (معکوس) معنی داری وجود دارد؛ یعنی با افزایش پرخاشگری بدنی مرد، رضایت زناشویی زن کاهش می یابد.

جدول (۲):

ضریب همبستگی بین پرخاشگری کلامی زن و مرد و رضایت زناشویی هریک از آنها

رضایت زناشویی مرد	رضایت زناشویی زن		
-۰/۳۳۳ (**)	-۰/۲۹۴ (**)	همبستگی پیرسون	پرخاشگری کلامی زن
۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معنی داری	
۱۷۰	۱۷۰	تعداد	
-۰/۵۲۷ (**)	-۰/۵۲۳ (**)	همبستگی پیرسون	پرخاشگری کلامی مرد
۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معنی داری	
۱۷۰	۱۷۰	تعداد	
-۰/۳۸۶ (**)	-۰/۳۸۷ (**)	همبستگی پیرسون	احساس خشم زن
۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معنی داری	
۱۶۹	۱۷۰	تعداد	
-۰/۴۳۷ (**)	-۰/۵۲۷ (**)	همبستگی پیرسون	احساس خشم مرد
۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معنی داری	
۱۷۰	۱۷۰	تعداد	
-۰/۵۵۷ (**)	-۰/۵۵۴ (**)	همبستگی پیرسون	احساس خصومت زن
۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معنی داری	
۱۶۹	-۰/۵۵۴ (**)	تعداد	
-۰/۵۶۸ (**)	-۰/۵۲۶ (**)	همبستگی پیرسون	احساس خصومت مرد
۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معنی داری	
۱۷۰	۱۷۰	تعداد	

** p < /

نتایج جدول ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین پرخاشگری کلامی زن و رضایت زناشویی زن رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین پرخاشگری کلامی زن و رضایت زناشویی مرد نیز رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی هر قدر پرخاشگری کلامی زن بیشتر باشد رضایت زناشویی زن همچنین رضایت زناشویی مرد کاهش می‌یابد.

بین پرخاشگری کلامی مرد و رضایت زناشویی مرد رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین پرخاشگری کلامی مرد و رضایت زناشویی زن نیز رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی هر قدر پرخاشگری کلامی مرد بیشتر باشد رضایت زناشویی مرد همچنین رضایت زناشویی زن کاهش می‌یابد. نکته قابل توجه این است که در پرخاشگری کلامی مرد، رضایت زناشویی زن و مرد با شدت بیشتری کاهش می‌یابد. ولی در پرخاشگری کلامی زن رضایت زناشویی با شدت کمتری کاهش می‌یابد.

نتایج جدول ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین احساس خشم زن با رضایت زناشویی زن، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری و با رضایت زناشویی مرد، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری وجود دارد. یعنی با افزایش احساس خشم زن، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو کاهش می‌یابد. بین احساس خشم مرد با رضایت زناشویی زن، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری و با رضایت زناشویی مرد، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری وجود دارد. یعنی با افزایش احساس خشم مرد، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو کاهش می‌یابد.

نتایج جدول ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین احساس خصومت زن با رضایت زناشویی زن، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری و با رضایت زناشویی مرد، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری وجود دارد. یعنی با افزایش احساس خصومت زن، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو کاهش می‌یابد.

بین احساس خصومت مرد با رضایت زناشویی زن، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری و با رضایت زناشویی مرد، رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری وجود

دارد. یعنی با افزایش احساس خصومت مرد، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو کاهش می یابد.

جدول (۳):

تحلیل رگرسیون همزمان رضایت زناشویی زنان بر اساس ابعاد پرخاشگری مردان

مد	ضریب همبستگی چند گانه (R)	ضریب تبیین (R ²)	ضریب تبیین خالص (R ² -2)	اشتباه معیار پرورد	F مشاهده ای	سطح معنی داری
۱	۰/۶۸۳	۰/۴۶۷	۰/۴۵۴	۲۴/۴۳۳۶۹	۳۶/۱۰۹	۰/۰۰۰

متغیر پیش بین: شامل پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، احساس خشم، احساس خصومت

جدول (۴): ضرایب بتای متغیرهای پیش بین موثر بر رضایت زناشویی زنان

سطح معنی داری	آزمون t	ضرایب غیر استاندارد		مقدار ثابت
		ضرایب استاندارد	ضریب بتا	
۰/۰۰۰	515/31			۲۷۰/۹۰۰
۰/۰۰۸	-۲/۶۹۶	-۰/۱۸۷	۰/۳۲۲	۸/۵۹۶
۰/۳۰۸	-۱/۰۲۳	۰/۰۸۲	۰/۷۰۴	-۰/۸۶۹
۰/۰۰۰	-۴/۷۳۱	-۰/۳۲۷	۰/۴۴۶	-۰/۷۲۰
۰/۰۰۰	-۴/۱۴۹	۰/۲۹۴	۰/۳۸۴	-۲/۱۱۱
				-۱/۵۹۴

بر اساس آزمون رگرسیون همزمان در تبیین رضایت زناشویی زنان بر اساس ابعاد پرخاشگری مردان، ملاحظه می شود که چهار متغیر پیش بین رویهم تا حدود ۴۶ درصد از واریانس نمره رضایت زناشویی زنان را تبیین می کند. ارتباط متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیون خطی است ($F=۳۶/۱$ با سطح معنی داری $P<۰/۰۰۰$).

معادله پیش بین نمره رضایت زناشویی زنان از روی پرخاشگری مردان به شرح ذیل است:

$$y = 270.9 - 0.869X_1 - 2.11X_2 - 1.59X_3$$

$y =$ رضایت زناشویی زنان

$X_1 =$ پرخاشگری بدنی

$X_2 =$ احساس خشم

$X_3 =$ احساس خصومت

جدول (۵): تحلیل رگرسیون همزمان رضایت زناشویی مردان بر اساس ابعاد پرخاشگری زنان

مد	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین (R ²)	ضریب تبیین خالص (R ²)	اشتباه معیار برآورد	F مشاهده‌ایی	سطح معنی‌داری
۱	۰/۵۹۹	۰/۳۵۹	۰/۳۴۳	۲۴/۰۰۵۷۱	۲۲/۹۶۸	۰/۰۰۰

متغیر پیش بین: شامل پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، احساس خشم، احساس خصومت

جدول (۶): ضرایب بتای متغیرهای پیش بین موثر بر رضایت زناشویی مردان

سطح معنی‌داری	آزمون t	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	مقدار ثابت
		ضرایب استاندارد	ضریب بتا		
۰/۰۰۰	۲۷/۴۶۳			۹/۲۲۶	۲۵۱/۵۲۴
۰/۰۲۲	-۲/۳۱۸	-۰/۱۷۵		۰/۳۸۹	-۰/۹۰۲
۰/۵۴۹	۰/۶۰۰	۰/۰۴۸		۰/۶۰۶	۰/۳۶۴
۰/۰۲۴	-۲/۲۸۲	-۰/۱۶۴		۰/۴۸۲	-۰/۱۰۰
۰/۰۰۰	-۵/۴۳۶	-۰/۴۳۰		۰/۴۳۰	-۲/۳۳۷

بر اساس آزمون رگرسیون همزمان در تبیین رضایت زناشویی مردان بر اساس ابعاد پرخاشگری زنان ملاحظه می‌شود که چهار متغیر پیش بین رویهم تا حدود ۳۵ درصد از واریانس نمره رضایت زناشویی مردان را تبیین می‌کنند.

ارتباط متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیون خطی است ($F=21/89$ با سطح معنی داری $P<0/000$). معادله پیش بین نمره رضایت زناشویی مردان از روی پرخاشگری زنان به شرح ذیل است:

$$X_2 X_3 - 2/33 X_1 - 1/1 X_1 - 1/110 / 902 - y = 251/52$$

y = رضایت زناشویی مردان

X_1 = پرخاشگری بدنی

X_2 = احساس خشم

X_3 = احساس خصومت

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که با کاهش پرخاشگری، رضایت زناشویی افزایش می یابد. در تحقیقات قبلی نیز این رابطه مشاهده گردیده است. به عنوان مثال، یافته‌های تحقیق امین جعفری و قجاوند (۱۳۸۳)، خدایاری (۱۳۸۲) بیانگر آن است که بین پرخاشگری شوهران با میزان رضایت از روابط زناشویی زوجین رابطه معنادار از لحاظ آماری وجود دارد. مک کالوف، روت و کوهن (۲۰۰۶)، روزنپک و تامپسون (۱۹۸۶) نیز، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که پرخاشگری، سطوح پایین رضایت زناشویی را پیش بینی می کند. در تبیین این یافته می توان به پژوهش راج و برادبوری (۱۹۹۹) اشاره کرد که مطرح کردند در بسیاری از ازدواج‌ها علائم نارضایتی در چند سال اول زندگی ریشه می دواند، مخصوصاً اگر پرخاشگری بین زوجین وجود داشته باشد. نتایج پژوهش لارنس و برادبوری (۲۰۰۳) نیز همخوان با پژوهش حاضر نشان داد ۷۰ درصد از زوج‌های پرخاشگر، نارضایتی زناشویی را گزارش می کنند در حالی که تنها ۲۸ درصد از زوج‌های ناپرخاشگر، نارضایتی زناشویی نشان می دادند. تبیین احتمالی این یافته به

ماهیت و آثار زیان بار پرخاشگری زوج مورد پرخاش و حتی زوج پرخاشگر مربوط می شود. هدف زوج پرخاشگر گرفتن امتیاز از همسر است و به حقوق و خواسته های او اهمیت نمی دهد. او را مورد بی حرمتی، تهدید، تحقیر و آزار قرار می دهد. زوج پرخاشگر با پرخاش قصد تسلط بر دیگری را دارد تا طرف مقابل را تحت کنترل خود قرار دهد. از سوی دیگر گاه ضرب و شتم نیز صورت می گیرد؛ بنابراین همسر مورد پرخاش در طی زندگی زناشویی همواره احساس نایمنی، ناخشنودی، احساس خطر و احساس حقارت می کند و نوعی کینه و نفرت از همسر پرخاشگر خود در دل جای می دهد، بطوری که در طولانی مدت از رضایت زناشویی او کاسته و احساس نفرت و کینه جایگزین آن می گردد.

لارنس و برادبوری (۲۰۰۷) همسو با یافته پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدند که پرخاشگری بدنی شوهران ناهماهنگی زناشویی را به دنبال دارد، همچنین تحقیق اولیری، بارلینگ و روزنهام (۱۹۸۹) نیز آشکار ساخت که مردان بیشتر به خشونت شدید می پردازند و زنان به ویژه در معرض خطر مجروح شدن و یا حتی کشته شدن از سوی شوهرشان هستند. نتایج تحقیق جکبسون، گاتمن، والتز و همکاران نیز (۲۰۰۲) نشان داد زنانی که شوهران پرخاشگر بدنی داشتند، به همان اندازه نسبت به شوهرانشان به طور کلامی پرخاشگر بودند که شوهران پرخاشگر بدنی نسبت به همسرانشان بودند. یافته های اسکامچر، اسمیت اسلپ و هیمن (۲۰۰۱) نیز نشان داد که پیش بینی پرخاشگری روانی همسر مشکل تر از پیش بینی پرخاشگری بدنی است. تبیین احتمالی این یافته به احساس خطر و نایمنی دایمی بر می گردد که از سوی همسری که پرخاشگر بدنی است، اعمال می گردد. در واقع یکی از نیازهای اساسی انسان آنچنان که بسیاری از دانشمندان از جمله آبراهام مازلو بیان کرده است احساس ایمنی است. احساس ایمنی زمانی در یک زندگی زناشویی تأمین می شود که فرد احساس خطر جانی و آسیب دیدگی از سوی همسرش را نداشته باشد. از آنجایی که همسر دارای پرخاشگری بدنی دارد معمولاً در کنترل تکانه های خود و در خود تنظیم گری هیجانی مشکلات اساسی دارد و قادر نیست در مواقعی که دچار خشم است هیجانات خود را موقتاً کنترل کرده و رفتاری اجتماع پسند نشان

دهد؛ در نتیجه، همواره در همسر مورد آزار احساس ناامنی شعله‌ور است. او با هر جر و بحثی ترس از مورد هجوم قرار گرفتن را هم برای خود و هم برای فرزندانش دارد این احساس ناایمنی دایمی قطعاً می‌تواند سطح رضایت زناشویی او را کاهش دهد.

همچنین بین پرخاشگری کلامی زن و رضایت زناشویی مرد نیز رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی هر قدر پرخاشگری کلامی زن بیشتر باشد رضایت زناشویی زن همچنین رضایت زناشویی مرد کاهش می‌یابد. نتایج تحقیق اسکامچر و لئونارد (۲۰۰۵) همسو با پژوهش حاضر نشان داد که پرخاشگری کلامی زنان پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری فیزیکی مردان بود، بطوری که تحقیق لارنت، کیم و کاپالدی (۲۰۰۸) نیز همخوان با پژوهش حاضر آشکار ساخت که پرخاشگری کلامی زنان رضایت کمتری را برای همسر نشان داد. تبیین احتمالی این یافته که بین پرخاشگری کلامی زن و مرد با رضایت زناشویی خود آنها رابطه معکوس وجود دارد می‌تواند آن باشد که به هر حال پرخاشگری کلامی هم در زن و هم در مرد نشانه وجود اختلالات عمیق در سیستم خانواده و مهمتر از آن در ساختار روانی طرفین است. مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که زن و شوهرهای پرخاشگر هر دو از خانواده‌هایی با پرخاشگری بالا برخاسته‌اند و در واقع ما با پدیده انتقال بین نسلی پرخاشگری مواجه هستیم. بنابراین، ظاهراً رشد در چنین سیستم خانوادگی نشان دهنده وجود آسیب‌های روانی فراوان در چنین زن و شوهرهایی می‌باشد؛ زیرا، خانواده‌ای آشفته بستر زندگی آنها را در کودکی تشکیل می‌داده است، از سوی دیگر بنظر می‌رسد زن و شوهرهای پرخاشگر کلامی از آستانه تحمل بالایی برای ناکامی و مشکلات دیگر زندگی برخوردار نیستند، چنین افرادی در مهار کلامی خود در هنگام خشم ناتوان هستند؛ خود این مسأله احساس درماندگی، عدم کنترل بر خود و محیط و احساس گناه دایمی را در خود آنها دامن می‌زند.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش مؤید آن بود که با افزایش احساس خشم زن، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو کاهش می‌یابد و نیز با افزایش احساس خشم مرد، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو

کاهش می یابد. این یافته پژوهش حاضر با تحقیقات روزبولت و بیسونت (۱۹۹۸) که نشان داد اداره هیجان منفی خشم با ازدواج شاد بستگی دارد، با پژوهش بوک‌والا، سوپین و زدانیوک (۲۰۰۵) که نشان داد تأثیرات منفی اختلاف و تعارض از جمله خشم، منجر به کاهش رضایت در رابطه و افزایش احتمال طلاق می‌شود، هماهنگ و همسو است. در تبیین این یافته پژوهش حاضر می‌توان به نظریه اولیری و اسمیت (۱۹۹۱) اشاره نمود که بنا به نظر آنها دستیابی به درونی‌سازی و تنظیم هیجان منفی خشم در ازدواج، برای برخی از زوجها عملاً آسانتر از دیگران است. زیرا آنها به طور طبیعی خلق و خوی یکنواخت‌تری دارند. همچنین آنها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که پیامدهای زناشویی منفی با مجموعه‌ای از صفات هیجانی مرتبط‌اند که روی هم رفته عواطف منفی یا ذهنیت آماده برای تجربه رخداد‌های اضطرابی مکرر، تنش، خشم، احساس طرد و غمگینی خوانده می‌شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که با افزایش احساس خصومت زن، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو کاهش می یابد و نیز با افزایش احساس خصومت مرد، رضایت زناشویی زن و رضایت زناشویی مرد هر دو کاهش می یابد. این یافته پژوهش حاضر را مطالعات متعدد سایر محققان نیز تأیید نموده است. چنانچه ناطقیان، ملازاده، گودرزی و رحیمی (۱۳۸۷)، واتسون و کلارک (۱۹۹۹)، مک کالوف، روت و کوهن (۲۰۰۶)، کوک و همکاران (۲۰۰۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که خصومت، سطوح پایین رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان به نظر بارون و همکاران (نقل از چپانه، ۱۳۸۶) استناد کرد که از خصومت به عنوان عاملی برای ابتلا به آسیب‌پذیری روانی-اجتماعی یاد می‌کنند که باعث نقصان در کیفیت روابط صمیمانه بین زوجین می‌شود. نتایج پژوهش آنها از نقش خصومت در رشد آسیب‌پذیری روانی-اجتماعی حمایت می‌کند. اما همچنین به تقارن تأثیرات ویژگی‌های خصومت خانم‌ها و آقایان در رضایت زناشویی اشاره دارد. به عبارت دیگر زوجینی که دیدگاه خصمانه دارند، تفسیرهایی غلط و غیر واقع

بینانه و تحریف شده از روابط خود و از همسر خود دارند که منجر به هیجانات منفی نسبت به زوج دیگری گردیده، سازش آنها را کاهش می دهد.

منابع

- ابراهیمی، داوود (۱۳۶۰)، بهداشت روانی خانواده، تبریز: انتشارات نشر خیام.
- اتکینسون، اسمیت، بم، هکسما، اتکینسون (۱۳۸۴)، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه حسن رفیعی، مرصده سمیعی، محسن ارجمند، جلد ۲. تهران: انتشارات ارجمند.
- احمدی، خدابخش؛ آزاد مرز آبادی، اسفندیار و ملازمانی، علی (۱۳۸۴)، بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه، طب نظامی، شماره ۷ (۲)، ص ۱۵۲-۱۴۱
- امین جعفری، بتول. قجاوند، کاظم (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان مراجعه کننده دادگستری اصفهان، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، سال سوم، شماره ۱۳، ص ۱۵۴-۱۳۰.
- بستان، حسین و همکاران (۱۳۸۵)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پروین، لارنس‌ای (۱۳۷۴)، روانشناسی شخصیت، ترجمه محمدرضا جوادی و پروین کدیور، تهران: انتشارات پارسا.
- تبریزی، سمیرا (۱۳۸۶)، مقایسه کیفی و کمی رضایت زناشویی در زنان شاغل و متأهل تهرانی با تأکید بر همسانی و عدم همسانی منزلت شغلی زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج؛ تهران: انتشارات بعثت
- چیاپنه، جعفر (۱۳۸۶)، رابطه میزان تطابق هیجان‌خواهی با رضایت زناشویی زوجین شهرستان اشنویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- حاجی‌ابولزاده، نسرین (۱۳۸۱)، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد (شناختی- رفتاری) بر میزان سازگاری زناشویی زوجین ساکن شهرستان کرج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
- خدایاری، درخشان (۱۳۸۲)، بررسی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در دو جامعه مراجعه کننده به پزشکی قانونی و آموزگار زن شاغل در آموزش و پرورش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شاهد.
- ساپینگتون، اندرو (۱۳۸۲)، بهداشت روانی، ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی‌برواتی، تهران: انتشارات روان.
- ساعدی، سیدرضا، و سپهری، محمد (۱۳۷۹)، نگاهی به فرهنگ ازدواج در جوامع بشری، تهران: انتشارات صدرا.

- سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳)، بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی (براساس رویکرد شناختی) بر نارضایتی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سلیمانیان، علی اکبر. و نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۳)، بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی (براساس رویکرد شناختی) بر نارضایتی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سیف، سوسن (۱۳۷۷)، تئوری معاصر خانواده، تهران: انتشارات افشین.
- صالحی، شهریار. و مهرعلیان، حسینعلی (۱۳۸۵)، بررسی شیوع و نوع خشونت خانگی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی، درمانی شهرستان شهرکرد، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دوره ۸، شماره ۲، ص ۷۷-۷۲.
- طهرانی، فاطمه (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر افزایش رضایت زناشویی زنان ساکن اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- عامری، فریده (۱۳۸۱)، بررسی تأثیر مداخلات خانواده درمانی راهبردی در اختلافات زناشویی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- قربانی، سعید (۱۳۸۵)، تأثیر بازیهای رایانه‌ای بر پرخاشگری و انگیزختگی نوجوانان پسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۰)، روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات ارسباران.
- لنگری، محمد رضا (۱۳۷۸)، بررسی میزان پرخاشگری دانش آموزان پسر مهاجر و غیرمهاجر سال اول متوسطه دبیرستانهای شهر بجنورد در سال ۸۸-۱۳۷۷؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران
- مهدویان، فاطمه (۱۳۷۶)، بررسی تأثیر آموزش و ارتباط بر رضایت مندی زناشویی و سلامت روانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی تهران
- ناطقیان، سمانه، ملازاده، جواد،، گودرزی، محمد علی. و رحیمی، چنگیز (۱۳۸۷)، بخشایش و رضایت زناشویی در مردان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه ناشی از جنگ و همسران آنان، فصل‌نامه اصول بهداشت روانی، سال دهم، شماره ۳۷، ص ۳۳-۴۶.
- نیک بنیان مرنی، المیرا (۱۳۸۸)، رابطه باورهای ارتباطی با سلامت روان و رضایت زناشویی زنان خانه دار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- هادی پور، مجتبی (۱۳۸۵)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و میزان پرخاشگری ورزشکاران مرد رشته‌های مختلف ورزشی شهرستان همدان در سال ۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.

- Bookwala, J.; Sobin, J. & Zdaniuk, B., (2005), Gender and aggression in marital relationships: A Life-span perspective. *Journal of family psychology*. Vol.52, pp.506-797.
- Burke, R.J.; Weier, T.; & Harrison, D., (1976), Disclosure of problems and tensions experienced by marital problems. *Psychological reports*. Vol.38, pp.531-542.
- Buss, A.H., Perry, M. (1992), the aggression questionnaire. *Journal of personality and social psychology*. Vol 63. pp.452-459.
- Carstensen, L.; Gottman, J.; & Levenson, R., (1995), Emotional behavior in long-term marriage, *Journal of marriage and the family*, Vol.10, pp.140-149.
- Collins, J., & Coltrane, K.S., (1991) marital satisfaction, marital adjustment, and the longitudinal course of marriage. *Journal of marriage and family*. Vol.13, pp. 28-36.
- Cook, J.M.; Riggs, D.S.; Thompson, R.; Coyne, J.C.; & Sheikh, J.I. (2002), Post traumatic stress disorder and current relationship functioning among world war II ex-prisoners of war., *Journal of family psychology*. Vol.18(1), pp.36-45.
- Dadds, M.R.; Atkinson, E.; Turner, C.; Blums. C.J., & Lendich, B. (1999), Family conflict and child adjustment. *Journal of family psychology*, Vol.13, pp. 194-208.
- Falicov, C.J.,(1988), Cultural perspective in family therapy., *Journal of marriage and the family*, Vol.9, pp. 171-180.
- Jacobson, N.S., Gottman, J. M., waltz, J., Rushe, R. & Babcock, J., (2002), Affect, Verbal content, and psychophysiology In the arguments of couples with a Violent Husband., *Journal of consulting and Clinical Psychology*, Vol.62, pp.982-988.
- Jenkins, j.m., (2000). Marital conflict and children's emotions the development of anger orientation. *Journal of marriage and the family*, Vol.62, pp.723-736.

- Lawrence, E., & Bradbury, T.N., (2003), Physical aggression and marital dysfunction: A longitudinal analysis., *Journal of family psychology*, Vol.14, pp.78-86.
- Lawrence, E., & Bradbury, T.N., (2007), Trajectories of change in physical aggression and marital satisfaction, *Journal of family psychology*, Vol.21 (2), pp.236-247.
- Laurent, H.K.; Kim, H.K., & Capaldi, D.M., (2008), Interaction and relationship development in stable young couples: Effects of positive engagement, verbal aggression, and withdrawal, *Journal of adolescence*, Vol.31, pp.815-835.
- Martin, S.L., Kilgallen, B., Tsui, A.O., Maitra, K., Singa, K.K., & cooper, S.L., (2002), Sexual behaviors and reproductive health outcomes : association with wife abuse , *Journal of marriage and the family* , Vol.283, pp.1967-1972.
- McCullough, M.E., Root, L.M., & Cohen, A.D., (2006), Writing about the benefits of an interpersonal transgression facilitates forgiveness, *Journal of consulting and clinical psychology*, Vol.74 (5), PP.887-897.
- O'Leary, K.D., Barling, J., & Rosenbaum, A., (1989), Prevalence and stability of physical aggression between spouses: A longitudinal analysis. *Journal of consulting and clinical psychology*, Vol.57, pp.263-268.
- O'Leary, K.D., & Smith, D., (1991), Marital interactions: Annual review of psychology, *Journal of social psychology*, Vol.42, pp.191-212.
- Rogge, R.D., & Bradbury, T.N., (1999), differential roles of communion in predicting adverse marital outcomes, *Journal of counseling & clinical psychology*, Vol.67, pp.340-351.
- Rosenheck, Thompson. J (1986), Detoxification of Vietnam war trauma: A combined family- individual approach. *Family process*. 25: 559-570.
- Rusbult, C.E., & Bissonette, V., (1998), Accommodation processes during the early years of marriage, *Journal of marriage and the family*, Vol.52, pp.74-113.

-
- Schumacher, J.A., Smith Slep, A.M., & Heyman, R.E., (2001), Risk factors for male-to-female partner psychological abuse, Aggression and violent behavior, Vol.6, pp.225-268.
 - Schumacher, H.A., & Leonard, K.E., (2005), Husbands' and wives' marital adjustment, verbal aggression, and physical aggression as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage. Journal of consulting and clinical psychology, Vol.73 (1), pp.28-37.
 - Stiths, S.M., (2004), treating intimate partner violence with in intact couple relationship: Outcomes of multi-couple versus individual couple therapy. Journal of marital and family therapy, Vol.14, pp.499-520.
 - Watson, J., & Clark, M., (1999), what predicts change in marital interaction over time? A study of alternative medicine, Family process, Vol.38, pp.143-158

